

رویکرد علمی - اخلاقی کتاب منهاج الدکان در داروسازی

شیرین پروین رو

فرزانه غفاری

چکیده

منهاج الدکان از جمله معدود کتب طبّی و دارویی قدیمی است که مخاطبش داروساز می‌باشد و در قرن هفتم هجری توسط کوهین عطار (یهودی) در سرزمین مصر نگاشته شده است. مؤلف انگیزه خود را از تألیف منهاج الدکان ارایه کتابی جامع در این زمینه ذکر می‌کند و اختصاص کتاب برای مخاطبین داروساز به احتمال قوی یکی از دلایل انتشار گسترده‌ی آن می‌باشد. این اثر که تلخیصی از چندین کتاب و برخی تجربیات شخصی مؤلف می‌باشد، ضمن دربرداشتن نظم‌ی ساده و منطقی در ارایه آنچه که در داروسازی مورد نیاز می‌باشد حاوی توصیه‌های سودمند در باب اخلاق حرفه‌ای عاملان بدین علم می‌باشد. هدف از این مطالعه، کتابشناسی منهاج الدکان می‌باشد که شامل ۲۵ باب می‌باشد. مفاهیم اخلاقی این اثر بیانگر این موضوع می‌باشد که در دوره‌ی اسلامی یک داروساز علاوه بر مهارت در این فن بایستی پایبند به اصول اخلاقی بوده و به حقوق بیمار احترام بگذارد.

واژگان کلیدی

منهاج الدکان، داروسازی دوره‌ی اسلامی، اخلاق.

رویکرد علمی - اخلاقی کتاب منهاج الدکان در داروسازی

پزشکی و داروسازی دوره‌ی اسلامی

درباره‌ی اینکه کدام سرزمین به عنوان زادگاه و محل پیدایش پزشکی است، عقاید مورخین و تذکره نویسان و استدلال‌های آنان متفاوت است، عده‌ای برآنند که سرزمین مصر این افتخار را داشته، دسته‌ای آنرا به بابل و کلد و آشور، برخی آنرا در جزیره ردم از جزایر دریای اژه در یونان یا سایر جزایر و خاک یونان، پاره‌ای آنرا به هندوستان و چین و ایران و... نسبت می‌دهند (نجم آبادی، ۱۳۷۱). آنچه که می‌توان به عنوان مقدمه درباره‌ی پزشکی صدر اسلام سخن گفت این است که محیط جغرافیایی خشن، نامساعد و در عین حال متکی بر طبیعت شبه جزیره‌ی عربستان، سادگی معیشت را برای ساکنان آن به ارمغان آورده بود. بازتاب این سادگی تنها در ظاهر عرب جاهلی خلاصه نمی‌شد، بلکه بی‌نیازی آنها به علوم مختلف را نیز دربرداشت. با ظهور اسلام، برپایه‌ی توصیه‌های قرآن کریم و سفارش پیامبر اکرم، عرب مسلمان به خواندن و نوشتن روی آورد و نخستین گام‌های معرفتی خود را با فراگرفتن قرآن آغاز کرد. مهمترین نتیجه‌ی عصر فتوحات اسلامی، روبرو شدن با فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف و کهنی بود که در سایه‌ی آمیختگی آنها، فرهنگ و تمدن اسلامی با همه‌ی ویژگی‌های بارز خود تکوین یافت (جان محمدی، ۱۳۸۶).

علم طب از نخستین فنونی است که بین مسلمانان رواج یافت و مورد توجه خاص مسلمانان، خلفا و امرای آنها واقع شد (ولایتی، ۱۳۸۶). طب دوره‌ی اسلامی از چهارسو تحت تأثیر قرار داشت: سریانیان، ایرانیان، هندیان و یونانیان (اولمان، ۱۳۸۳). در قلمرو اسلامی، فعالیت در عرصه‌ی طب با ترجمه آغاز شد. پس از

نهضت ترجمه و اوج آن با تأسیس بنیاد بیت‌الحکمه در بغداد، دوران تألیف فرارسید. از جمله آثار ارزشمند طبی تألیف شده توسط مسلمانان در قلمرو اسلامی می‌توان به فردوس الحکمه ابن ربن طبری، الحاوی رازی، کامل الصناعه اهوازی، القانون ابن سینا، التصریف زهراوی، الشامل ابن نفیس، العمده فی صناعه الجراحه ابن قف و... اشاره نمود. بطور کلی مسلمانان در دو رشته‌ی مهم طب، متون تخصصی گسترده‌ای بوجود آوردند که عبارتند از: چشم پزشکی و داروشناسی. در داروشناسی که آنرا علم صیدنه یا صیدله می‌نامیدند، نویسندگان اسلامی به پیشرفتی چشمگیر دست یافتند چرا که گستره‌ی جغرافیایی وسیع قلمرو اسلامی آنها را با داروهایی آشنا کرد که برای ملل گذشته ناآشنا بودند، بطوری که در ابتدا اطلاع درباره‌ی مواد دارویی مبتنی بر حدود ۵۰۰ (یا کمی بیشتر) ماده‌ای بود که دیوسکوریدوس^۱ از اهالی عین زربی^۲ وصف کرده بود اما با تلاش افرادی چون ابن بیطار^۳ این رقم به بیش از ۲۰۰۰ مفرد افزایش یافت. در این علم، داروها از نظر سادگی و آمیختگی به داروهای مفرد و مرکب (قرابادین) تقسیم می‌شدند. داروها نباتی، حیوانی و معدنی بودند (ولایتی، ۱۳۸۶).

متون داروسازی و داروشناسی قالب‌های متفاوتی داشتند و شامل موارد ذیل می‌شدند:

- متونی که موضوع آنها منحصرأ مواد دارویی (مفردات) بود.
- متونی که حاوی دستور عملهای تهیه داروهای ترکیبی (قرابادین) بود.

- متونی که تلفیقی از موارد فوق بود.

- کتابهایی که به سموم و پادزهرهای آنها اختصاص داشت.

- آثار جامع دیگری که در آنها ابتدا از داروهای مفرد و مرکب بحث میشد، با مفردات پزشکی ادامه یافته، سپس دستورالعمل‌های تهیه داروهای ترکیبی گفته می‌شد و با بخش سموم و پادزهرهای آنها ادامه می‌یافت (شمس اردکانی، ۱۳۸۷).

لازم به توضیح است که علاوه بر موارد فوق، در کتب ارزشمندی چون *النبات* تألیف دینوری (قرن سوم هجری)، *الصیدنه* تألیف ابوریحان بیرونی (قرن چهارم هجری) یا *شرح اسماء العقار* تألیف ابن میمون (قرن ششم هجری) اسامی متعدد گیاهان به زبان‌های مختلف معرفی شده‌اند.

برخی از آثار مهم داروسازی در دوره اسلامی عبارتند از: *الابنیه عن الحقایق الادویه* (به زبان فارسی، تألیف ابومنصور موفق بن هروی در قرن چهارم هجری)، *الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه* (به زبان عربی، تألیف ابن بیطار در قرن هفتم هجری)، *الشامل فی الصنایع الطبیه* (به زبان عربی، تألیف ابن نفیس در قرن هفتم هجری)، *اختیارات بدیعی* (به زبان فارسی، تألیف علی بن حسین انصاری شیرازی در قرن هشتم هجری)، *تحفة المومنین* (به زبان فارسی، تألیف سید محمد مومن تنکابنی در قرن یازدهم هجری)، *مخزن الادویه* (به زبان فارسی، تألیف عقیلی خراسانی در قرن دوازدهم هجری) و..

اطبای مسلمان و غیرمسلمان در خدمت طب اسلامی

نظام طب اسلامی را غربی‌ها عموماً بنام طب عربی می‌شناسند اما بسیاری از پزشکان عامل بدان، از جمله برخی از برجسته‌ترین آنها مانند طبری، رازی، اهوازی و ابن‌سینا ایرانی بوده‌اند نه عرب. از سوی دیگر بسیاری از پزشکان، مانند حنین بن اسحاق، مسیحی و یا مانند ابن میمون، یهودی بودند. بنابراین وقتی سخن از طب اسلامی به میان می‌آید در واقع به فرهنگی اشاره می‌شود که جریان‌های

متفاوت بسیاری را درخود جذب کرده و آنها را وحدت و تکامل بخشیده است (اولمان، ۱۳۸۳).

در قرون وسطی علوم طبیعی و حکمت یهود تقریباً در جهان اسلام متمرکز گردیده بود. یهودیان این دوره از امنیت قابل توجهی در قلمرو اسلامی برخوردار بودند، در حالیکه آنهایی که در مناطق مسیحی نشین می زیستند تحت فشار و آزار و اذیت مسیحیان قرار داشتند. یهودیان این عصر از علوم اسلامی مستفید گردیده و رسالات فوق العاده مهمی در باب طب تصنیف نمودند. از جمله اطباء مشهور یهودی بویژه درس‌رزمین مصر می‌توان به اسحق اسرائیلی (۹۵۵-۸۵۵م)، ابن میمون (۱۱۶۵م)، ابوالفدای قاهری و ابوالمنی داود بن نصر معروف به کوهین عطار (۱۲۷۵م) و ... اشاره نمود (ویل دورانت، ۱۳۴۳).

معرفی کتاب منهاج الدکان

ابوالمنی (داود) بن ابی نصر بن حفاظ الاسرایلی الهارونی معروف به کوهین العطار، داروسازی یهودی و ساکن مصر بوده که در سال ۶۵۸ هجری (۱۲۶۰م)، دارونامه‌ای تحت عنوان منهاج الدکان و دستور الأعیان فی اعمال و ترکیب الأدویه / النافعه للأبدان برای فرزندش تألیف نمود (البته این عنوان اندکی در نسخه‌های دیگر تغییر یافته است). در مورد زندگی او تقریباً چیزی نمی‌دانیم، ارتباط او با ابو منصور سلیمان بن حفاظ الکوهن (نویسنده‌ی منتخب) که کوهین عطار از او نقل قول می‌کند نامعلوم است (Encyclopedia of Islam, ۱۹۸۶).

نسخه‌های متعددی از منهاج الدکان موجود است که در ذیل به برخی از کتابخانه‌های حاوی این نسخ اشاره می‌گردد:

- ایران: مجلس سنا، دانشکده‌ی پزشکی تهران (شمس اردکانی، ۱۳۸۷).

- سوریه: ظاهریه دمشق (حمازنه، ۱۳۸۷).
- ترکیه: سلیم آغا، شهید علی، فاتح، ولی الدین افندی، احمدالثالث، نورعثمانیه، داماد ابراهیم و جامعه استانبول (شش، ۱۳۸۶).
- این کتاب چندین بار در کشورهای عربی بویژه در مصر تصحیح و چاپ شده است. در ادامه به برخی از نسخه‌های تصحیح شده آن اشاره می‌گردد:
- نسخه‌ی اول: بولاق، ۱۲۸۷ هجری
- نسخه‌ی دوم: مصر، ۱۳۵۹ هجری
- نسخه‌ی سوم: مصر، ۱۳۹۱ هجری
- نسخه‌ی چهارم: مصر، ۱۴۱۱ هجری

هدف از تألیف منهاج الدکان و علل انتشارگسترده آن

مؤلف هدف از تألیف این اثر را تهیه‌ی کتابی جامع در داروسازی که استفاده‌کننده از آن از مراجعه به منابع مختلف بی‌نیاز گردد ذکر می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که ادعای ویژه بودن کتاب برای داروسازان موجب انتشار وسیع و تمایز آن از سایر آثار که معمولاً برای مخاطب پزشک نگاشته شده‌اند، گردیده است. دلیل دوم، ارزیابی و معرفی معادلهای واحدهای اندازه‌گیری و اوزان می‌باشد که با توجه به فقدان استاندارد رسمی و تعدد واحدهای اندازه‌گیری، نیاز به چنین عملکردی احساس شده است. دلیل سوم اشاره به توصیه‌های سودمند اخلاقی و حرفه‌ای داروسازی (اعم از در نظر داشتن خداوند در تمامی امور، چگونگی تعامل با مراجعه‌کنندگان و برخورداری از وجدان کاری، خرید، نگهداری، پاک کردن و...) می‌تواند باشد و نهایتاً استفاده وافر از نام‌های عربی-مصری داروها برای مخاطبین عرب زبان کار را برای کاربران دست‌یافتنی کرده است. آنچه از محتوای این اثر برمی‌آید این است که مؤلف سعی نموده تا آنچه

که در تهیه‌ی داروهای ترکیبی مورد نیاز یک داروساز است در قالب متنی کامل، کاربردی و با نظمی منطقی ارایه نماید (Encyclopedia of Islam, ۱۹۸۶).

از منابع مهمی که مورد استفاده کوهین عطار در تألیف منهاج الدکان قرار گرفته، عبارتند از (عاصی، ۱۴۱۲):

- قرابادین ابن تلمیذ (پزشک، داروشناس، ادیب و شاعر مسیحی بغدادی در قرن ششم هجری).

- الارشاد لمصالح الانفس و الأجساد تألیف ابن جامع (پزشک مشهور یهودی زاده و پرورده فسطاط مصر در قرن ششم هجری).

- منهاج البیان فیما يستعمله الانسان من الأدوية المفردة و المركبة تألیف ابن جزله (پزشک و داروشناس مسیحی قرن پنجم هجری که بعدها مسلمان شد).

- الملکی فی الطب که ابونصر آنرا به حنین نسبت داده است. (درحالیکه می‌دانیم این اثر نام دیگر کامل الصناعة منسوب به اهوازی می‌باشد).

- الدستور المارستانی یا دستور الأدوية المركبة تألیف داود بن ابی البیان (طیب مشهور، متولد قاهره در قرن ششم).

آموزه‌های علمی و اخلاق حرفه‌ای داروسازی در کتاب «منهاج الدکان»

این کتاب از یک مقدمه و ۲۵ باب تشکیل شده است. نگارنده کتاب خود را با یک مقدمه توحیدی و اخلاقی آغاز کرده است و پس از شکر و ثنای خداوند و ذکر منابع مورد استفاده و هدف از تألیف کتاب خود، به معرفی ابواب کتاب می‌پردازد، ابوالمنی مقدمه‌ی خود را چنین به پایان می‌رساند: «از پیشگاه خداوند متعال خواستارم که مرا در گامی که برای اتمام این کتاب برداشته‌ام یاری نماید. چرا که نیت من از تألیف این کتاب، خیر رساندن به مردم و برای رضایت خداوند متعال می‌باشد، که این خود گام اصلی برای شروع هر کاری است». سپس به ابواب دیگر کتاب می‌پردازد. از آنجا که یکی از اهداف اصلی این مقاله معرفی

برخی آموزه‌های علمی و اخلاق حرفه‌ای کتاب منهاج‌الدکان می‌باشد، لذا ضمن اشاره‌ای گذرا در معرفی ابواب کتاب، به مضامین اخلاقی در باب‌های اول و بیست و سوم و محورهای علمی در مابقی باب‌ها پرداخته می‌شود.

باب اول: هرکس که می‌خواهد به این کتاب عمل کند باید درغایت دین‌مداری، تقوی و خودسازی باشد و نخست از خدا و سپس از مردم بترسد. فرزندانم همواره حرص برآن داشته باش که تقوای الهی وجودت را فراگیرد و ترست از خداوند ترس محبت آمیز باشد، نه ترس از عقاب و کیفر او، و بدان که اجر تو در نزد خداوند بس عظیم است که اگر چنین باشی در نزد مردم درامانی. شایسته است که پای بند به انجام آنچه حق است باشی و راه صحیح را پیروی نمائی و مصمم باشی به استفاده از ترکیب‌ها و داروهایی که پیشینیان بطور عملی آزموده و درآن برای مردم نفع و بهره‌ای دیده‌اند و سپس در کتاب‌های خود وضع نموده تا در وقت حاجت از آنها یاری بطلبند و...

قدرشناس فرآورده‌های علمی پیشینیان باش و در عمل کردن به این دستورات دارویی و ترکیبات امانتدار باش که این اصل بسیار بزرگ در دین است که همیشه باید نصب العین خود قرار بدهی.

فرزندم بدان که هیچ گناهی بالاتر از ظلم به مردم و اخذ اموال آنها به ناحق نمی‌باشد، همانگونه که بیمار همواره به دنبال یک پزشک حاذق، دانشمند و متدین می‌گردد که در نزد او در مداوای بیماری‌اش آرامش و اعتماد داشته و به دنبال داروسازی با چنین شرایط می‌باشد، بهتر است تو خود را جای چنین بیماری بگذاری. آیا تو دوست داری که دیگران جان و مال تو را تباه کنند بیمار هم همچو تو دوست دارد که پزشک و داروساز با او رفتاری خدایپسند داشته باشند و تو میدانی که کیفر خداوند نسبت به این مسأله چقدر عظیم و سنگین است.

من در مقدمه به همین چند نکته بسنده می‌کنم چرا که اهل بصیرت و تیزبین را همین کافی است. فرزندم لازم است که تو هر صبح و شب این مسایل را مرور نمایی و همواره آنرا به خاطر داشته باشی و در بوته‌ی فراموشی قرار ندهی.

باب‌های دوم تا نوزدهم (ارایه‌ی فرمولاسیون انواع اشکال دارویی)

در این باب‌ها روش‌های ساخت انواع اشکال دارویی معرفی شده است و مانند برخی از کتب قرابادینی معرفی این اشکال با نام مفرده اصلی صورت گرفته است مانند: شراب نیلوفر یا رب خشخاش و ... مؤلف علاوه بر شرح روش ساخت هر یک از این اشکال دارویی به کاربرد طبی و اثر درمانی آن نیز اشاره دارد. عناوین این باب‌ها عبارتند از:

باب دوم	اشربه ^۴ (۱۴۲مورد)
باب سوم	ربوب ^۵ (۲۰مورد)
باب چهارم	مربیات ^۶ (۲۱مورد)
باب پنجم	معاجین ^۷ (۴۷مورد)
باب ششم	جوارشات ^۸ (۳۲مورد)
باب هفتم	سفوفات ^۹ (۴۱مورد)
باب هشتم	اقراص ^{۱۰} (۴۲مورد)
باب نهم	لعوقات ^{۱۱} (۳۳مورد)

باب دهم	حبوب ^{۱۲} (مورد ۴۷)
باب یازدهم	ایارجات ^{۱۳} و مطبوخات ^{۱۴} و تریاق ^{۱۵} (مورد ۳۳)
باب دوازدهم	أكحال ^{۱۶} (مورد ۴۶)
باب سیزدهم	شیافات ^{۱۷} (مورد ۵۳)
باب چهاردهم	مراهم ^{۱۸} (مورد ۴۶)
باب پانزدهم	أدهان ^{۱۹} (مورد ۴۸)
باب شانزدهم	أطليه ^{۲۰} و لطوخات ^{۲۱} (مورد ۳۹)
باب هفدهم	أدویه فم ^{۲۲} و سنونات ^{۲۳} (مورد ۳۲)
باب هجدهم	فتایل ^{۲۴} مسهله و قابضه و فرزجات ^{۲۵} و حقن ^{۲۶} (مورد ۴۲)
باب نوزدهم	ضمادات ^{۲۷} و جبارات ^{۲۸} و سعوطات ^{۲۹} و نفوخات ^{۳۰} (مورد ۶۲)

نگاهی به منابع و تعداد ارجاعات عنوان شده در بابهای ۱۹-۲:

ارجاعات	تعداد	ارجاعات	تعداد	ارجاعات	تعداد
ابن بیان (دستور)	۸۱	ابوالعلاء بن زهر	۱	ضیاءالدین بن فقهانی	۱
ابن تمام	۱	اسحاق اندلسی	۲	علی بن رضوان	۱
ابن تلمیذ (قربادین)	۲۴	اسحاق بن عمران	۱	فتح الدین بن ابی الحوافر	۱۸
ابن جامع (الارشاد)	۶۰	اندروماخس	۱	قلانسی	۱
ابن جزار	۱	اوحّد الزمان	۱	قلقیدس	۱
ابن جزله (منهاج)	۵	بطلمیوس	۱	الکافی	۱
ابن الدخوار	۳	جالینوس	۶	کندی	۱
ابن رشد	۱	حنین	۱	مکارم بن صغیر	۱
ابن زهر	۱	دیمطریوس	۱	الملکی	۳۶
ابن سرافیون	۲	دیسقوریوس	۱	معیس	۱

ابن سنان	۱	ذخیره	۱	المنصوری	۲
ابن سینا	۲	رازی	۱۱	المنتخب	۱
ابن شمعہ	۱	روفس	۱	موسی بن میمون مغربی	۱
ابن المدور	۹	رشید بن صبیر	۱	الوقوف للكواكب و بخورات الهیایی	۱
ابن منہان العدل	۱	شاپور	۹	یوحنا بن ماسوی	۱
ابن المنذر	۱	الشریف الدمشقی	۱		

باب بیستم (ابدال ادویه)

در این باب بدل داروهای مفرده معرفی شده است تا در موارد فقدان اجزای ضروری جهت ساخت داروهای مرکبه بتوانند آنها را جایگزین نمایند. مؤلف مرجع خود را کتاب فی الأبدال رازی معرفی کرده است.

باب بیست و یکم (شرح اسماء ادویه)

مؤلف در این باب به شرح اسامی داروهای مفرده‌ای می‌پردازد که احتمال می‌دهد نام آنها برای برخی ناشناس و نامأنوس باشد. وی به ۸۴۷ مورد از اسامی مفردات به ترتیب حروف اشاره می‌کند.

باب بیست و دوم (اوزان و الفاظ مجهول)

در این باب ضمن معرفی اوزان مطرح در آن زمان، یکسری الفاظ ادبی و فنی نیز نیز معنی شده‌اند.

باب بیست و سوم (برخی توصیه‌های سودمند)

مطالب این فصل اغلب در باب اخلاق حرفه‌ای داروسازی بوده و مؤلف در قالب وصایای سودمند قریب به یکصد نکته را اشاره دارد، در ادامه به برخی توصیه‌های اخلاقی در حرفه‌ی داروسازی خطاب به داروسازان اینچنین متذکر می‌شود:

- قبل از شروع کار در داروخانه شکرگزار درگاه خداوند باش. کارت را بانام خداوند متعال آغاز کن.

- پس از قرار گرفتن در جایگاهت در داروخانه، ترازو را خارج کن و کفه‌ها و وزنه‌های آن را از آلودگی‌های روز قبل که به آن افزوده شده پاک کن و آنرا میزان کن تا اندازه‌گیری صحیح باشد.

- اگر فرد مضطر و کم‌درآمدی دارو خواست، درراه رضای خدا نیاز او را برآورده کن، مبادا به او داروی تقلبی، نامرغوب یا با حجم کمتر دهی.

- جهت تهیه و ساخت دارو رعایت نظافت همه‌ی ظروف و ابزارهای ساخت دارو لازم و ضروری است.

- با مردم با اخم و ترشروی بر خورد نکن و یا بی جهت با آنها به خنده و شادی نپرداز که با این عمل خوار و سبک می شوی، بلکه همواره گشاده رو و متبسم باش.

- با نوشیدن انواع شربتها برای معده‌ی خالی و کمی آب گرم و شکر یا مربای گل برای معده پر یا خوردن غذا (مناسب) مزاجت را تعدیل نما، در غیر اینصورت دچار سوء مزاج شده و برخوردت با مشتری بد شده و چه بسا آن موجب بدزبانی و بددهانی گشته که اتلاف فرد، روح و مال را به همراه دارد.

- حق کسانی را که به تو دانشی در ساخت یا شناخت داروها می آموزند ادا کن و اگر چیزی به دیگران می آموزی منتی در آن نباشد و طوری آموزش ده که گویی خودت چیزی را فرا میگیری مگر آنکه افرادی قدرشناس و بدخو باشند.

- به جنس مخالف نگاه طولانی و غرض آلود نداشته باش که آن هلاکت را بدنبال دارد.

- اگر برای کسی یادداشتی می فرستی بسیار در محتوای آن دقت کن که آن اقرار و سندی از جانب تو و بنام توست .

- در برابر چشم دوختن به دست بیمار باید شرافت نفس داشت، تنها به خدا توکل داشته باش و به مردم تکیه مکن.

- به افرادی که وارد داروخانه می شوند در حدی که درخور شخصیت آنها می باشد بلکه بیشتر از آن احترام و اکرام نما.

- از غرور و خودپسندی و تکبر بپرهیز و کلمه‌ی (من) را بکار مبر که گرفتار منیت و سختی می شوی.

- خروجت از منزل با رضایت خاطر باشد چرا که رضایت خاطر خانواده و دعای آنها برایت تاثیر بسزایی دارد.

علاوه بر موارد مذکور، توصیه‌هایی نیز در زمینه ساخت و نگهداری داروها به چشم می‌خورد به عنوان مثال توصیه شده است که داروهایی مانند کتیرا (عسره

الدق) و طباشیر (سریعه الدق) یکجا و باهم کوبیده نشوند یا شیاف‌ها و قرص‌ها را در سایه خشکانیده و از گرد و غبار محفوظ دارند و داروهای مختلف المزاج در یک ظرف قرار داده نشوند چرا که یکی از آنها دیگری را فاسد می‌کند و...

باب بیست و چهارم (چگونگی جمع آوری ادویه‌ی مفرده از لحاظ زمانی و مکانی و نحوه‌ی نگهداری در ظروف مناسب و آنچه که آنرا فاسد می‌کند و آنچه که به هنگام شروع به فساد آنرا اصلاح می‌کند و ذکر آنچه که به همراه ادویه از فساد آن جلوگیری کرده و طول عمر ادویه مفرده و مرکبه)

در این باب مؤلف به روش جمع آوری صحیح ادویه (از لحاظ زمانی و مکانی)، طریقه‌ی نگهداری، تاریخ انقضا انواع اشکال دارویی و ... اشاره می‌نماید بعنوان مثال در مورد گیاهان علفی می‌گوید ابتدا خاک آنها را تمیز کرده، سپس در آفتاب و در انتها در سایه خشکانده و در صندوق‌های چوبی نگهداری نمایید وی برای جلوگیری از فساد دانه به نمک را پیشنهاد می‌کند و برای جلوگیری از تغییر مزاج آن توصیه می‌کند که نمک را در پارچه‌ای پیچیده و در داخل ظرف محتوی دانه قرار دهید.

باب بیست و پنجم (در امتحان ادویه‌ی مفرده و مرکبه و ذکر مستعمل و غیر مستعمل آنها)

در این قسمت مؤلف به روش‌های شناسایی ادویه‌ی خالص از انواع مغشوش و تقلبی می‌پردازد که با توجه به امکانات آن دوران، ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی از قبیل شکل، طعم و بوی ادویه را مطرح می‌سازد. وی در زمینه‌ی امتحان گلاب چنین می‌گوید: مقداری از آنرا در ظرف شیشه‌ای ریخته و به آن آب شیرین بیفزایید اگر رنگش مثل شیر سفید شد پس خالص می‌باشد، همچنین در

زمینه‌ی امتحان روغن نارگیل می‌گوید که نوع سالم آن در زمستان منجمد شده و بوی خوشی دارد اما نوع مغشوش آن با شیر منجمد نشده و بوی کمی دارد. در انتها مؤلف خطاب به فرزندش متذکر می‌شود که در این کتاب به داروها و تریاق‌هایی اشاره کرده است که مصرف آنها ضرورت داشته و شخصاً آنها را تجربه نموده یا حاصل تجربیات دیگران بوده است و عمر مفید داروها (تاریخ انقضا) را از اطبای مشهور، کتب قدیمی و بررسی‌های شخصی نقل نموده و خاطر نشان می‌سازد که اگر تأمل و دقت کافی به همین مقدار اطلاعات شود نیازی به مطالعه دیگر کتاب‌ها نخواهد بود.

نتیجه

رعایت موازین اخلاقی برای پزشک تاریخچه‌ای طولانی دارد. در قوانین حمورابی در سرزمین باستانی بابل قوانین شدیدی برای پزشکان غیر ماهر تدوین شده بود. مقررات اخلاقی باستانی در حیطه اخلاق پزشکی، اغلب به صورت سوگند نامه‌ها بیان می‌شدند که از مشهورترین آنها سوگندنامه‌ی بقراط می‌باشد. اسلام که بر مکارم اخلاقی و سجایای انسانی و سعه‌ی صدر و خوشرویی و مهربانی و برادری تأکید دارد، همیشه هر علمی را در کنار اخلاق و انسانیت توصیه می‌کند. اجازه‌نامه‌ی طبابت در قلمرو حکومت اسلامی از قرن سوم هجری مرسوم بوده و پزشکی حق طبابت و جراحی داشته که پیشتر در بیمارستان جندی شاپور یا نزد پزشکان معروف و سرشناس کار کرده باشد و قوانینی بر آنها مدون بوده است که محتسب بر آن نظارت داشته است (جوادی، ۱۳۸۶). توجه به اخلاق در آثار طبی متعددی از دوره اسلامی به چشم می‌خورد. اما آنچه از محتوای کتاب منهاج الدکان بر می‌آید توجه به مقوله‌ی اخلاق در حرفه‌ی داروسازی می‌باشد که مولف پس از طبابت آنرا شریف‌ترین صنعت به حساب آورده و ضمن آموزش اصول

علمی مورد نیاز یک داروساز به معرفی اصول اخلاقی در این حرفه می‌پردازد و بدین ترتیب این کتاب در ردیف معدود آثار دوره‌ی اسلامی با رویکرد علمی- اخلاقی جهت مخاطبین داروساز قرار می‌گیرد.

پی نوشت ها

- ۱- مؤلف اثر مشهور الحشایش در نیمه دوم قرن نخست میلادی
- ۲- واقع در کیلیکیه
- ۳- از دانشمندان نامدار اندلس است که در شهر مالته در اندلس در نیمه دوم قرن ششم هجری در یک خانواده اهل علم متولد شده است.
- ۴- اشربه= شربت‌ها که حاوی شکر می‌باشند.
- ۵- ربوب= مانند شربت ولی غلیظ تر از آن و فاقد یا حاوی شکر
- ۶- مرییات= کل فاکهه ربت فی السكر و بقی من عینها باق سمی مربی.
- ۷- معاجین= داروهای مرکبه کوبیده شده که با عسل یا ربوب قوام دار سرشته باشند.
- ۸- جوارشات= معرب از گوارش فارسی است به معنای گوارنده
- ۹- سفوفات= ادویه‌ی خشک ساییده شده که در دهان پاشند و با آب یا سایر مایعات خورده شود.
- ۱۰- اقراص= جمع قرص
- ۱۱- لعوقات= ادویه ای که دارای چسبناکی است و با گذاشتن آن در دهان مزه‌ی آن کم کم در دهان آزاد می شود.
- ۱۲- حبوب= جمع حب که بر دو نوع است مسهله و غیر مسهله
- ۱۳- ایارجات= مسهلات اصلاح شده
- ۱۴- مطبوخات= جوشانده ها
- ۱۵- تریاق= به فارسی تریاک نامند آنچه که حفظ قوت و صحت مزاج و روح به حدی نماید که رفع ضرر سم نماید .
- ۱۶- اکحال= داروهای مستعمل در چشم
- ۱۷- شافه= آنچه دراز ساخته در دبر یا قبل قرار دهند و یا به آب ساینند و در چشم کنند(رکتال، واژینال، چشمی)
- ۱۸- مرهم= دوايي که نرم ساییده با موم روغن جمع آورند و قروح و جراحات و بعضی اورام را بدان معالجه نمایند.
- ۱۹- ادهان= روغن‌ها

- ۲۰- طلا= دوائی رقیق که بر عضو بمالند و چون ضماد محتاج بستن نباشد.
- ۲۱- لطوخت= مایعاتی که بدن با آن اندود می شود.
- ۲۲- ادویه فم= داروهای دهان
- ۲۳- سنونات= ادویه مخصوص به امراض دندان است.
- ۲۴- فتیله= آنچه دراز ساخته در دبر یا قبل نهند یا در گوش یا در بینی یا در جراحت درآورند.
- ۲۵- فرزجات= حمولی که مخصوص به فرج زن باشد.
- ۲۶- حقنه= آنکه چیزی سایل در محقنه انداخته، در روده رسانند از راه دبر یا در مثانه یا در رحم رسانند از راه قبل.
- ۲۷- ضماد= داروی با قوام غلیظ که مایع و نرم باشد و بر عضو بمالند و ببندند، اعم از آنکه موم روغن داشته باشد یا نداشته باشد.
- ۲۸- جبارات= داروهای مورد استفاده در شکسته بندی
- ۲۹- سعوطات= عبارت از چیزی است که در بینی کشند.
- ۳۰- نفوخت= آنچه در بینی دمند.

فهرست منابع

- اولمان، م، بدره ای، ف. (مترجم). (۱۳۸۳). طب اسلامی، تهران: توس
- جان محمدی، ف. (۱۳۸۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
- جوادی، م، عباسی، م، ضیائی اردکانی، ح. (۱۳۸۶). اخلاق پزشکی و انتظار بیمار از پزشک، تهران: موسسه فرهنگی حقوقی سینا.
- جهاننداری، ک (مترجم). (۱۳۸۰). تاریخ نگارش های عربی (پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، دام پزشکی)، جلد سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حمازنه، س، الخیمی، ص. (۱۳۸۷). فهرست کتب خطی پزشکی و داروسازی کتابخانه ظاهریه دمشق، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.

ششن، ر، آقپکار، ج، ایزگی، ج. (۱۳۸۶). فهرست کتب خطی پزشکی موجود در ترکیه، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.

شمس اردکانی، م، دزفولی، م، قاسملو، ف، صدر، م. (۱۳۸۷). فهرستواره مشترک نسخه های خطی پزشکی و علوم وابسته در کتابخانه های ایران، تهران: سبز آرنک.

شمس اردکانی، م. (۱۳۸۷). مجموعه ای از آثار علوم پزشکی دانشمندان اسلامی و ایرانی، تهران: سبز آرنک با همکاری دانشگاه علوم پزشکی.

ویل دورانت، طاهری، ا (مترجم). (۱۳۴۳). تاریخ تمدن، کتاب چهارم، تهران: اقبال با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.

عاصی، ح (مصحح)، منهاج الدکان و دستور الأعیان فی اعمال و تراکیب الأدویه النافعه للأبدان، لبنان، بیروت: دارالمناهل.

نجم آبادی، م. (۱۳۷۱). تاریخ طب در ایران (قبل از اسلام)، ج: ۱، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

ولایتی، ع. (۱۳۸۶). پویائی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج: اول، تهران: وزارت امور خارجه.

Encyclopedia of Islam, vol 5, Netherlannds, 1986.

Roth N, Medieval Jewish civilization an Encyclopedia, Rout ledge, Newyork, 2003, 370-374

یادداشت شناسه مؤلفان

دکتر شیرین پروین رو؛ دستیار داروسازی سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
Email: pharm_shp@yahoo.com

دکتر فرزانه غفاری؛ استادیار دانشکده طب سنتی و معاون گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
Email: farzanehghaffary@yahoo.com